



## دانش‌های حدیثی؛

## گذشته، حال، آینده

مهدی مهریزی

مطالعه در پیشینه علوم، نشان می‌دهد که دانش‌ها به یکباره شکل نگرفته‌اند؛ بلکه در گذر زمان و در پرتو علل و عوامل گوناگون به فرهنگ و معارف بشری پیوسته‌اند. بسا اوقات، رویارویی با یک پرسش و یا برخورد با یک مشکل، زمینه‌ساز پیدایش دانشی گشته است. بدین صورت که تلاش برای پاسخگویی به یک پرسش یا حل یک مشکل، مسئله‌ای را شکل داده و از ترکیب چند مسئله، دانشی سامان یافته است.

در مرحله پس از پیدایش نیز پژوهش، ژرفکاوای، تعلیم و تعلم، به رشد و بالندگی دانش‌ها کمک می‌کنند. از این رو، تعریف علوم نیز تکامل تدریجی دارد که از تعاریف بدوی غیر منقح شروع می‌شود و به تعریف‌های دقیق و حد و رسم دار منطقی می‌رسد. این، سرنوشت تمامی دانش‌هاست و طبیعتاً علوم اسلامی هم از این قاعده مستثنا نیستند؛ بلکه به آسانی می‌توان در تمامی آنها این قاعده و روند را نشان داد.

یکی از علوم اسلامی که این گفتار بدان اختصاص دارد، «علم حدیث» یا «علوم حدیث» است. بررسی اجمالی پیدایش این دانش و تطورات آن، موضوع این نوشتار است. البته باید دانست که تاریخ حدیث، غیر از تاریخ علوم حدیث است و موضوع



سخن در این مقال، عنوان دوم است.<sup>۱</sup>

در این نوشتار، تلاش می‌شود تا زمینه‌دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها فراهم آید: علم حدیث یا علوم حدیث، از چه زمانی به عنوان یک دانش رسمیت یافته است؟ در آغاز، آن را چگونه تعریف کرده‌اند؟

چه مراحل و تطوراتی را پشت سر نهاده است؟

وضعیت کنونی علوم حدیث و تعریف آن چیست؟

آیا می‌توان تعاریف گذشته و حال را نقادی کرد؟

معیار نقد این تعاریف، کدام است؟

چه قالب‌ها و تعاریف جدیدی در این دانش باید شکل بگیرد؟

چه دانش‌هایی باید بر آن افزوده گردد؟

و ...

اینها پرسش‌های جدی‌ای هستند که نیازمند مطالعات تاریخی و دقت نظرند، تا به

ساماندهی منطقی این دانش، کمک کنند.

### مراحل تطوّر علوم حدیث

تردیدی نیست که آنچه پس از قرآن در اختیار مسلمانان قرار داشت، حدیث و روایت بود. مشکلاتی که حدیث، در زمینه سند و متن بدان برخورد کرد، و نیز ماهیت معرفت و دانش بشری، بسترساز پیدایش علوم حدیث شد. برخی از دانشوران، به درستی،

۱. در زمینه تاریخ علوم حدیث، نگاه کنید به:

تاریخ فنون الحدیث، محمد عبدالعزیز الخولی، ص ۱۸۹-۲۲۸؛

الحافظ الخطیب البغدادی و اثره فی علوم الحدیث، محمود طحان، ص ۳۷۶-۳۹۱؛

نهاية الدراية في شرح الوجيزة للشيخ البهائي، ص ۲۵-۳۴؛

اصول الحدیث، محمد عجاج الخطیب، ص ۲۲۳-۲۹۵؛

دراية الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، ص شانزده- بیست و چهار.



پیدایش علوم حدیث را پی آمد علل طبیعی و وضعی دانسته اند.<sup>۲</sup> مراد آنان از علل طبیعی، ماهیت معرفت و دانش بشری، و مقصودشان از علل موضوعی، همان جعل و وضع و اختلاف و تعارض اخبار بود.

به گمان ما برای نشان دادن آنچه بر دانش های حدیثی گذشته است، می توان این تطورات را در چهار مرحله پیگیری کرد.

### مرحله اول: تدوین دانش های حدیثی

در این مرحله، دانش های حدیثی به رفع مشکلات حدیث نظر داشتند و علومی چون: رجال، جرح و تعدیل، مختلف الحدیث، علل الحدیث، و غریب الحدیث، با این پیش زمینه شکل گرفتند.

عصر آغاز تدوین این دانش ها قرن سوم هجری است. دکتر محمود طحان می نویسد: با شروع قرن سوم، دانش های حدیثی تدوین گشت و هر یک از آنها به صورت مستقل و جدا از دیگری، پدیدار شد؛ دانش هایی مانند علم ناسخ و منسوخ، علم جرح و تعدیل، و...

برای هر یک از این علوم، کتاب هایی ویژه تألیف گشت.<sup>۳</sup>

مراجعه به فهرست نامه ها این رأی را تأیید می کند. در این جا برای هر یک از پنج دانش پیش گفته، نمونه هایی از کتب شیعه و اهل سنت یاد می کنیم:

#### ۱. علم رجال الحدیث<sup>۴</sup>

در شیعه:

کتاب الرجال، عبدالله بن جبلة الکنانی (م ۲۱۹ق)

۲. نهاية الدراية، ص ۱۴-۱۸.

۳. الحافظ الخطيب البغدادي و اثره في علوم الحديث، ص ۳۸۶.

۴. تاريخ فنون الحديث، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ نهاية الدراية، ص ۲۵-۲۶.



کتاب الرجال، حسن بن فضال (م ۲۲۴ق)

کتاب الرجال، احمد بن حسن فضال (و ۲۰۶ق)

کتاب الرجال، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ق)

کتاب الرجال، ابن عقده (۲۴۹-۳۳۳ق)

در اهل سنت :

آثار رجالی نویسندگانی چون : محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)، یعقوب بن

سفيان (م ۲۷۷ق)، ابوبکر بن خثیمه (م ۲۷۹ق) حافظ بغوی (م ۳۳۰ق) و ...

## ۲ . علم جرح و تعدیل<sup>۵</sup>

در شیعه :

کتاب معرفة رواة الاخبار، حسن بن محبوب (۱۴۹-۲۲۴ق)

کتاب مناقب رواة الحديث و مثالبهم، سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ق)

کتاب الممدوحين والمذمومين، احمد بن عمّار کوفی (م ۳۴۶ق)

کتاب الممدوحين والمذمومين، احمد بن احمد قمی (م ۳۶۸ق)

در اهل سنت :

آثار جرح و تعدیلی مؤلفانی چون : یحیی بن معین (م ۲۳۳ق)، احمد بن حنبل

(م ۲۴۱ق)، ابن سعد (م ۲۳۰ق)، ابو خثیمه (م ۲۳۴ق)، ابن المدینی (م ۲۳۴ق) و ...

## ۳ . علم مختلف الحديث<sup>۶</sup>

در شیعه :

۵ . تاریخ فنون الحديث، ص ۱۹۹-۲۱۲؛ نهاية الدراية، ص ۲۶-۲۷؛ اصول الحديث، ۲۷۷-۲۷۹.

۶ . در این زمینه رجوع شود به : نهاية الدراية، ص ۲۸؛ اصول الحديث، ص ۲۸۴-۲۸۶؛ فصل نامه

علوم حدیث، ش ۹، ص ۳-۶.



کتاب اختلاف الحدیث، محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ق)  
کتاب اختلاف الحدیث، یونس بن عبدالرحمان (ق ۳)  
کتاب اختلاف الحدیث، احمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ق)  
کتاب الحدیثین المختلفین، عبدالله بن جعفر حمیری (م ۲۹۰ق)  
در اهل سنت:

کتاب اختلاف الحدیث، ابن ادريس شافعی (م ۲۰۴ق)  
تاویل مختلف الحدیث، ابن قتیبة دینوری (م ۲۷۶ق)  
تهذیب الآثار، محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)  
شرح معانی الآثار، ابو جعفر طحاوی (م ۳۲۱ق)  
المؤتلف و المختلف، ابن بشر آمدی (م ۳۷۰ق)

#### ۴. علم علل الحدیث<sup>۷</sup>

در شیعه:

کتاب علل الحدیث، یونس بن عبدالرحمان (ق ۳)  
کتاب علل الحدیث، احمد بن خالد برقی (م ۲۸۰ق)  
در اهل سنت:

التاریخ والعلل، یحیی بن معین (۱۵۸-۲۳۳ق)  
کتاب علل الحدیث، احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ق)  
المسند المعلل، ابن شیبہ (۱۸۲-۲۶۲ق)  
کتاب العلل، محمد بن عیسیٰ ترمذی (۲۰۹-۲۷۹ق)

۷. در این زمینه رجوع شود به: تاریخ فنون الحدیث، ص ۲۱۴؛ نهاية الدراية، ص ۲۹؛

اصول الحدیث، ص ۲۹۵-۲۹۷.

۵. علم غریب الحدیث<sup>۸</sup>

در شیعه:

غریب حدیث النبوی (ص)، شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)

در اهل سنت:

غریب الحدیث، ابو عبید قاسم بن سلام (م ۲۲۴ق)

اصلاح غلط ابی عبید، ابن قتیبہ (م ۲۷۶ق)

و آثار غریب الحدیثی نویسنده‌گانی چون: ابن اعرابی (م ۲۳۱ق)، شیبانی

(م ۲۳۱ق)، اثرم (م ۲۳۲ق)، و ...

از این مرحله (مرحله اول: تدوین)، آثاری اندک برجای مانده و غالباً فقط عنوان

آنها در فهرست‌نامه‌ها ثبت است. بدین ترتیب، روشن است که تعریف واضح و

فراگیری نیز از علم حدیث یا علوم حدیث در این زمان در دست نباشد.

ویژگی‌های این دوره را می‌توان چنین برشمرد: (۱) تطبیقی بودن آثار در حوزه علم

حدیث، (۲) از میان رفتن بیشتر این نوشتارها، (۳) برابری شیعه و اهل سنت در توجه به

این دانش‌ها.

## مرحله دوم: فراگیر شدن دانش‌ها گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در مرحله دوم، نگاه فراگیر به دانش‌های حدیثی در میان عالمان حدیث رواج یافت.

نتیجه این جامع‌نگری‌ها تألیف کتاب‌هایی با عنوان «علوم حدیث» یا تعبیرهای مشابه

بود. البته این حرکت، در کنار آثار تطبیقی بود که تألیف آنها از دوره نخست شروع شده

بود و همچنان استمرار داشت.

دکتر محمود طحان، مرحله دوم از تطورات علوم حدیث را که از قرن چهارم آغاز

۸. در این زمینه رجوع شود به: تاریخ فنون الحدیث، ص ۱۹۱-۱۹۳؛ نه‌ایة الدرایة، ص ۳۱؛

اصول الحدیث، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ فصل‌نامه علوم حدیث، ش ۱۳، ص ۹۲-۱۱۰.



می شود، چنین توصیف می کند:

در قرن چهارم، عالمان حدیث به این نکته التفات پیدا کردند که نوشته های قرن سوم، حاوی قواعد و اصطلاحات ویژه حدیث پژوهان است که راوی و مروی (یعنی سند و متن) در پرتو آنها شناخته می شوند و در نتیجه، حدیث مقبول یا مردود به دست می آید. از این رو، همت گماشتند تا آن قواعد و اصطلاحات را تجرید نموده، در کتاب های مستقل، با عنوان «علوم حدیث» جای دهند و مرادشان قواعد و اصطلاحاتی بود که تمامی شاخه های دانش های حدیثی را فرامی گرفت. همین نامگذاری، در دوره های بعد، برای این رشته (شناخت حدیث)، عَلم شد. البته گاه به جای علوم حدیث، مصطلح الحدیث، علم اصول الحدیث، و علم النحدیث درآیند نیز اطلاق می گردد.<sup>۹</sup>

آثار فراگیر (جامع) این دوره اختصاص به نوشته های عالمان اهل سنت دارد. در این مرحله، از این آثار برجسته می توان نام برد:

المحدث الفاصل بین الراوی والواعی، حسن بن عبدالرحمان رامهرمزی (م ۳۶۰ق)<sup>۱۰</sup>

معرفة علوم الحدیث، حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق)

المستخرج علی معرفة علوم الحدیث، ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ق)

الکفایة فی علم الدراية، خطیب بغدادی (۳۹۲-۴۶۳ق)

الجامع لآخلاق الراوی و آداب السامع، خطیب بغدادی (۳۹۲-۴۶۳ق)

۹. الحافظ الخطیب البغدادی و اثره فی علوم الحدیث، ص ۳۸۶-۳۸۷.

۱۰. دکتر محمد عجاج الخطیب معتقد است پیش از رامهرمزی نیز آثاری از این دست تألیف شده است، چون:

اصول السنة و مذاهب المحدثین، علی بن عبدالله مدینی (۱۶۱-۲۳۴ق)؛

معرفة المتصل من الحدیث والمرسل و المقطوع و بیان الطرق الصحیحة و معرفة اصول الحدیث،

احمد بن هارون بن روح البردیجی (م ۳۰۱ق).

(ر.ک: اصول الحدیث، ص ۴۵۲-۴۵۳)



الإلماع الى معرفة أصول الرواية وتقييد السماع، قاضى عیاض بن موسى

(۴۷۹-۵۴۶ق)

مالا یسع المحدثّ جهله، ابو حفص میانجی (م۵۸۱ق)

علوم الحدیث، ابن الصلاح (م۶۴۳ق)

دکتر محمود طحّان، بر پایه رأی ابن حجر، دیگر کتاب های علوم حدیث (پس از این هشت عنوان) را دارای ابتکار نمی داند؛ بلکه بر این باور است که آنها یا گزیده ای از این هشت کتاب اند، یا تعلیقه ای بر اینها، و یا نظم و ترتیب جدیدی از این آثار.<sup>۱۱</sup> این رأی را تا اندازه ای می توان تأیید کرد؛ چرا که تا قرن دهم، عمده آثار درایة الحدیث، بر محور کتاب ابن الصلاح می چرخند که از آنها می توان نام برد:<sup>۱۲</sup>

الخلاصة، شرف الدین طیبی (م۶۷۶ق)

المنهل الرویّ فی الحدیث النبویّ، قاضی بدرالدین ابن جماعه (م۷۳۳ق)

المنهج السوّیّ فی شرح المنهل الرویّ، عزالدین محمد بن جماعه (م۸۱۹ق)

محاسن الإصطلاح فی تعین کتاب ابن الصلاح، عمر بن رسلان بلقینی (م۸۰۵ق)

تقریب الإرشاد الى علم الإسناد، محیی الدین نواوی (م۹۷۶ق)

الإفصاح بتکمیل نکت علی ابن الصلاح، ابن حجر عسقلانی (م۸۵۲ق)

التقیید و الإیضاح لما أُطلق و أُغلق من کتاب ابن الصلاح، زین الدین عراقی (م۸۰۶)

نظم الدرر فی علم الأثر (منظوم کتاب ابن الصلاح)، زین الدین عراقی (م۸۰۶ق)

فتح المغیث (شرح الفیة ابن الصلاح)، سخاوی (م۹۰۲ق)

قَطْر الدرر (شرح الفیة ابن الصلاح)، جلال الدین سیوطی (م۹۲۱ق)

\*

در آثار فراگیر این دوره، تعریف روشن و مشخصی از علوم حدیث ارائه نمی گردد.

۱۱. الحافظ الخطیب البغدادی و اثره فی علوم الحدیث، ص ۳۸۹.

۱۲. درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، ص هجده - بیست.





در این جا به اجمال، آثار این دوره را از این جهت، مرور می کنیم.

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق)، ۵۲ نوع از دانش های حدیث را در کتابش برمی شمرد و

از هر نوع، به اختصار و با این تعبیر یاد می کند:

النوع الأول من هذه العلوم، معرفة عالی الإسناد.

النوع الثاني من معرفة علوم الحديث، العلم بالنازل من الاسناد.

و... ۱۳

وی، تعریف روشن و مشخصی از علوم حدیث به دست نمی دهد.

خطیب بغدادی (۳۹۲-۴۶۳ق) در کتابش می نویسد:

وانا اذكر - بمشيئة الله تعالى و توفيقه - في هذا الكتاب ما بطالب الحديث حاجة

الى معرفته و بالمتفقه فاقه الى حفظه و دراسته، من بيان اصول علم الحديث و

شرايطه؛ و اشرح من مذاهب سلف الرواة و النقلة في ذلك ما يكثر نفعه و تعم

فائدته و يستدل به على فضل المحدثين و اجتهادهم في حفظ الدين و تفهيم

تحريف الغالين و انتحال المبطلين ببيان الاصول من الجرح و التعديل و

التصحيح و التعليل و اقوال الحفاظ في مراعاة الالفاظ... ۱۴

قاضی عیاض (۴۷۹-۵۴۴ق) در الإلماع، پس از آن که علم حدیث را اساس

شریعت می خواند، رئوس مطالب آن را چنین برمی شمرد:

آداب فراگیری حدیث، شناخت طبقات رجال، غریب الحدیث، ناسخ و

منسوخ، فقه الحدیث، چگونگی استخراج احکام از نصوص حدیث، و

آداب نشر و ترویج روایت. ۱۵

سپس می نویسد:

۱۳. معرفة علوم الحديث.

۱۴. الكفاية في علم الدراية، ص ۳۷.

۱۵. الإلماع الى معرفة اصول الرواية و تقييد السماع، ص ۵۴.



ولكل فصل من هذه الفصول علم قائم بنفسه .<sup>۱۶</sup>

ابن صلاح (م ۶۴۳ق) در خطبه کتابش می نویسد :

مَنْ اللَّهُ الْكَرِيمُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلَهُ الْحَمْدُ - أَنْ أَجْمَعَ بَكِتَابٍ مَعْرِفَةَ أَنْوَاعِ

عِلْمِ الْحَدِيثِ .<sup>۱۷</sup>

و سپس ۶۴ دانش را بر می شمرد و آن گاه می نویسد:

و ذلك آخرها و ليس بآخر الممكن من ذلك ؛ فإنه قابلٌ للتنوع الى ما

لا يُحصى ، اذا لانتحصى احوال رواة الحديث و صفاتهم و لا احوال متون

الحديث و صفاتها ، و ما من حالة و لا صفة الا و هي بصدد ان تفرّد بالذكر .<sup>۱۸</sup>

\*

چنان که ملاحظه می شود، در این تطوّر، هنوز به تعریف روشنی بر نمی خوریم؛

گرچه اغراض و اهداف این دانش ها به خوبی شناسانده شده و بررسی آنچه به متن و سند

بر می گردد، بِن مایه همه این دانش هاست .

در این جا باید یادآوری شود که مرحله دوم از تاریخ علوم حدیث که از قرن چهارم آغاز

شد و تا قرن دهم ادامه یافت، در حوزه آثار فراگیر (جامع) و نظری، مختصّ اهل سنّت

است؛ اما در دانش های تطبیقی علوم حدیث، یعنی پرداختن به: رجال، مختلف الحدیث،

و ... شیعه و اهل سنّت، هر دو، تلاش های دوره اوّل را ادامه داده اند.<sup>۱۹</sup> در مثل می توان از

کتاب الإستبصار فی مختلف الأخبار در علم مختلف الحدیث و نیز کتاب های الرجال و

الفهرست شیخ طوسی، الفهرست نجاشی، الرجال علامه و ... در زمینه علم رجال یاد کرد.

ویژگی های دوره دوم را چنین می توان خلاصه کرد:

۱۶ . همان جا .

۱۷ . علوم الحدیث، ص ۴ .

۱۸ . همان، ص ۱۰ .

۱۹ . رجوع شود به: تاریخ فنون الحدیث، ص ۱۸۹-۲۲۸ .



- ۱- آثار تطبیقی علوم حدیث در میان اهل سنت و شیعه رواج دارد؛
- ۲- آثار نظری یافراگیر در میان اهل سنت شکل می گیرد؛
- ۳- تعریف دقیق و روشنی از علوم حدیث به دست نمی آید.

### مرحله سوم: حد و رسم علوم حدیث

مرحله سوم از تطورات علوم حدیث، از قرن دهم آغاز می شود و تا دوره معاصر ادامه می یابد. در این دوره، عالمان شیعه به تدوین کتاب های نظری و فراگیر در علوم حدیث می پردازند. البته در میان اهل سنت نیز کارهای دوره قبل، تداوم می یابد؛ گرچه نوعی رکود در این مرحله در میان اهل سنت به چشم می خورد و چنان که برخی گفته اند، دوره تلخیص و شرح و حاشیه نویسی بر آثار پیشین و بویژه اثرپذیری از مقدمه ابن صلاح به شمار می رود.<sup>۲۰</sup>

در میان آثار شیعه، از این کتاب ها می توان یاد کرد:

بداية الدراية، شهید ثانی (م ۹۴۶ق)

الرعاية في علم الدراية (شرح مزجی بداية الدراية)، شهید ثانی (م ۹۴۶ق)

وصول الاخير، حسین بن عبدالصمد حارثی (م ۹۴۸ق)

الوجيزة، شیخ بهایی محمد بن حسین بن عبدالصمد (م ۱۰۰۳ق)<sup>۲۱</sup>

۲۰. دانش حدیث، محمد باقر نجف زاده بارفروش، ص ۳۵۹.

۲۱. گفتنی است الوجيزة را شرح بسیاری است، از جمله:

الدرة العزیزة فی شرح الوجيزة، میرزا محمدعلی مرعشی شهرستانی (۱۲۸۰-۱۳۴۴ق)

الجوهرة العزیزة فی شرح و سبب الوجيزة، سیدعلی محمد بن دلداری علی نقوی (م ۱۳۱۳ق)

شرح الوجيزة، شیخ عبدالنبی بحرانی شیرازی (م ۱۱۸۷ق)

شرح الوجيزة، میرزا محمد سلیمان تنکابنی (م ۱۳۰۲ق)

صنائع الاثر فی شرح الوجيزة، سید امجد حسین الله آبادی

نهاية الدراية فی شرح الوجيزة، میرزا محمد کشمیری

(ر. ک: الدرر، ج ۱۴، ص ۱۶۸-۱۶۹)



الرواشح السماوية، میرداماد (م ۱۰۴۱ق)

لبّ اللباب، محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی (م ۱۲۶۳ق)

سُبُل الهدایة فی علم الدرایة، ملاّ علی خلیلی تهرانی (م ۱۲۹۶ق)

منظومة الدرایة، میرزا محمد تنکابنی (م ۱۳۰۲ق)

توضیح المقال، ملاّ علی کنی (م ۱۳۰۶ق)

مبدأ الآمال فی قواعد الحدیث والدرایة والرجال، علی بن محمد جعفر شریعتمدار

(م ۱۳۱۵ق)

الكفاية فی الدرایة، میرزا ابوطالب زنجانی تهرانی (م ۱۳۲۹ق)

الدرة الفاخرة، ملاّ حبیب الله شریف کاشانی (۱۲۶۲-۱۳۴۰ق)

مقیاس الهدایة، عبدالله مامقانی (۱۲۹۰-۱۳۵۱ق)

نهاية الدرایة (شرح الوجیزة)، سید حسن صدر (۱۲۷۲-۱۳۵۴ق)

امان الحدیث فی علم الدرایة، محمد مهدی عماد تهرانی (م ۱۳۴۸ق)

گفتنی است بجز اینها آثار دیگری در درایة الحدیث از عالمان شیعی در فهرست نامه ها

یاد شده اند که به طبع نرسیده اند.

در میان اهل سنت نیز از این آثار می توان یاد کرد:

صعود المراقی، قطب الدین محمد خیضری (م ۸۹۴ق)

تدریب الراوی، سیوطی (م ۹۱۱ق)

فتح الباقی، ابویحیی زکریا مصری (م ۹۲۸ق)

المنظومة البیقونیة، بیقونی دمشقی (م ۱۰۸۰ق)

قواعد التحدیث، محمد جمال الدین قاسمی (م ۱۳۳۲ق)

\*

در این دوره به تعاریف نسبتاً روشنی از «علوم حدیث» برمی خوریم. هم

عالمان شیعی و هم عالمان اهل سنت، در دوره مورد بحث، به تعیین حدّ و رسم این



دانش اهتمام داشته اند.

اینک نگاهی بر این تعاریف می افکنیم.

شهید ثانی (م ۹۴۶ق) در تعریف علم درایه گفته است:

علم یبحث فیه عن متن الحدیث و سنده و طرقه من صحیحها و سقیمها و علیها و ما یحتاج الیه لیعرف المقبول منه من المرود.<sup>۲۲</sup>

شیخ بهایی (م ۱۰۰۳ق) نیز در تعریف خویش نوشته است:

علم الدراية، هو علم یبحث فیه عن سند الحدیث و متنه و کیفیة تحمّله و آداب نقله.<sup>۲۳</sup>

ملاّ حبیب الله شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ق) در منظومه اش گفته است:

فالعلم بالمتن و بالطریق درایة الحدیث یا صدیقی<sup>۲۴</sup>

مرحوم مامقانی (م ۱۳۵۱ق) تعریف شیخ بهایی را در درایة الحدیث، بر تعریف شهید ثانی ترجیح می دهد و آن را می پذیرد.<sup>۲۵</sup> ضمن این که ایشان علم رجال و درایه را دو دانش دانسته،<sup>۲۶</sup> معتقد است که بحث از سند حدیث در علم درایه، هیچ گونه تداخلی با مباحث رجالی ندارد و آن را چنین توضیح می دهد:

و بعبارة اخرى، علم الرجال یبحث فیه بحثاً صغریاً، بخلاف علم الدراية؛ فإنه یبحث فیه کبرویاً.<sup>۲۷</sup>

سیوطی (م ۹۱۱ق) از ابن الاکفانی (م ۷۹۴ق) این تعریف را آورده است که:

۲۲. الرعاية فی علم الدراية، ص ۴۵.

۲۳. نهاية الدراية، ص ۷۹.

۲۴. دو فصل نامه علوم الحدیث، ش ۱، ص ۳۴۲.

۲۵. مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۴۲.

۲۶. همان، ص ۳۵-۳۶.

۲۷. همان، ص ۴۲؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۸۵.



علم الحدیث الخاص بالروایة، علم یشتمل علی أقوال النبی (ص) و أفعاله و روایتها و ضبطها و تحریر الفاظها؛ و علم الحدیث الخاص بالدرایة، علم یعرف منه حقیقة الروایة و شروطها و أنواعها و أحكامها و حال الرواة و شروطهم و أصناف المرویات و ما یتملّق بها.<sup>۲۸</sup>

و نیز تعریفی را از عزالدین ابن جماعه (م ۸۱۹ق) آورده است:  
علم الحدیث علم بقوانین یعرف بها احوال السند و المتن، و موضوعه السند و المتن، و غایته معرفة الصحیح من غیره.<sup>۲۹</sup>

جمال الدین قاسمی (م ۱۳۳۲ق) نیز همان تعاریف را بازگو کرده است.<sup>۳۰</sup>

\*

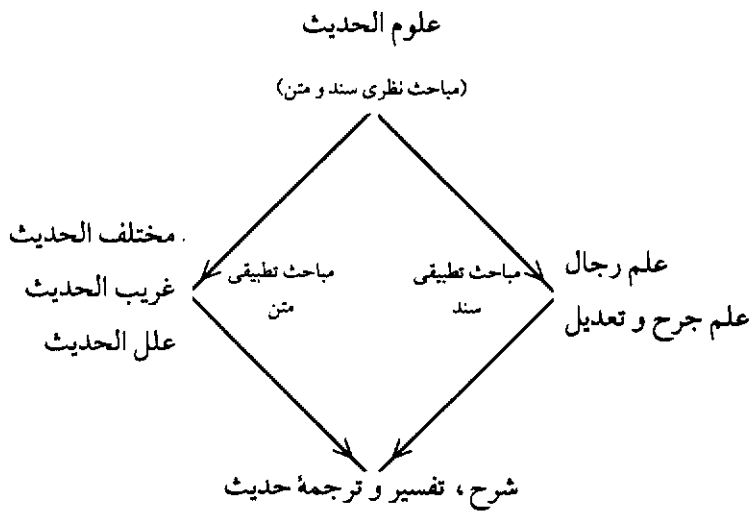
چنان که مشهود است، در این مرحله از تاریخ علوم حدیث، عالمان شیعی و سنی، تعاریفی نزدیک به هم برای دانش های حدیثی ارائه کرده اند. با این تعاریف ها نشان داده می شود که مباحث نظری و کلی سند و متن حدیث، در علوم الحدیث جای می گیرد. چنان که بحث های تطبیقی و صغروی سند، در علم رجال و بحث های تطبیقی و صغروی متن، در غریب الحدیث، مختلف الحدیث و علل الحدیث جای می گیرند. البته شرح و ترجمه و تفسیر حدیث نیز پس از همه اینها و استفاده کننده از اینهاست و در قاعده هر م جای دارد.

شکل زیر، نشان دهنده جایگاه این دانش ها و روابط متقابل آنهاست:

۲۸. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۱.

۲۹. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۲.

۳۰. قواعد التحدیث، ص ۷۵.



### مرحله چهارم: نقد و بررسی

دوران معاصر را می توان دوره نقد و بررسی تعریف های ارائه شده از دانش های حدیثی قلمداد کرد. در این برهه، تألیف ها در زمینه یادشده، چه در حوزه بحث های نظری و چه تطبیقی، فراوان می شود. گرچه فراز و نشیب هایی در برخی از شاخه ها مشهود است. در این مرحله، عالمان شیعی و سنی، به تجزیه و تحلیل تعریف ها می پردازند؛ گرچه چندان تحولی به چشم نمی خورد. اینک نظری بر این دیدگاه ها می افکنیم:

در میان شیعه، استادانی که به علوم حدیث پرداخته و در این زمینه صاحب تألیف اند، عبارت اند از:

- ۱- استاد کاظم مدیر شانه چی، با کتاب علم الحدیث و درایة الحدیث [به فارسی]،
- ۲- استاد جعفر سبحانی، با کتاب اصول الحدیث و احکامه،
- ۳- استاد عبدالهادی فضلوی، با کتاب اصول الحدیث.

استاد مدیر شانه چی در دو کتاب علم الحدیث و درایة الحدیث (که در سال ۱۳۴۴

شمسی، مستقل از یکدیگر و بعدها در یک مجلد به چاپ رسیدند) معتقد است که:



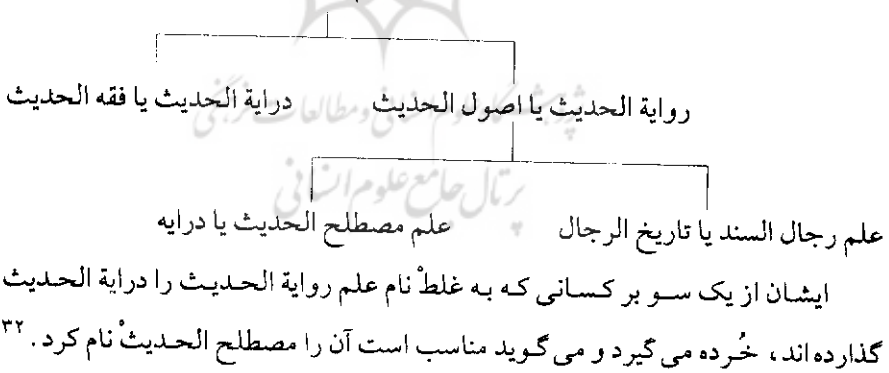
علم الحدیث، علمی است که به آن، اقوال و تقاریر و افعال پیغمبر و امام، شناخته می شود... معمولاً علم الحدیث را به دو بخش تقسیم نموده اند: اول، علم روایة الحدیث که در آن از کیفیت اتصال حدیث به معصوم، از لحاظ احوال روایات و کیفیت سند و غیره گفتگو می شود و اصطلاحاً علم اصول الحدیث نامیده شده است.

دوم. علم درایة الحدیث که از معانی و مفاهیم الفاظ وارد در احادیث بحث می نماید.

بخش اول نیز به دو دسته منقسم می گردد؛ زیرا گاهی از احوال رجال سند (از لحاظ عدالت و وثاقت و عدم آن) بحث می شود که به علم رجال مسمی است و هنگامی از کیفیت نقل حدیث به توسط راویان (از لحاظ صحت و ضعف و اصطلاحات مربوط به این خصوصیات) گفتگو می شود که از آن به مصطلح الحدیث تعبیر شده است.<sup>۳۱</sup>

ایشان، با این نمودار، سخن خود را نشان داده است:

### علم الحدیث



ایشان از یک سو بر کسانی که به غلط نام علم روایة الحدیث را درایة الحدیث گذارده اند، خُرده می گیرد و می گوید مناسب است آن را مصطلح الحدیث نام کرد.<sup>۳۲</sup>

۳۱. علم الحدیث، ص ۷-۸؛ درایة الحدیث، ص ۱-۴.

۳۲. علم الحدیث، ص ۷.





و از سوی دیگر، پیشنهاد می‌کند که علم درایه الحدیث، فقه الحدیث نام گیرد.<sup>۳۳</sup>  
استاد جعفر سبحانی (که کتابش به سال ۱۴۱۲ قمری چاپ شد)، تعریف شیخ بهایی را در شناسایی درایه الحدیث، مناسب تر دانسته و آن را به عبارتی دیگر برگردانده است:  
هو العلم الباحث عن الحالات العارضة على الحديث من جانب السند  
والمتمن.<sup>۳۴</sup>

ایشان، پس از شرح این تعریف، بر کسانی که علم رجال و درایه را همتا قرار داده‌اند (که یکی از سند و دیگری از متن بحث می‌کند)، خُرده می‌گیرد؛ و می‌گوید درایه، از مجموع سند و متن بحث می‌کند و رجال، از مباحث جزئی سند روایات.  
استاد عبدالهادی فضل‌ی (که کتابش به سال ۱۴۱۶ قمری چاپ شد) می‌گوید این دانش (درایه)، نام‌های متعدّد دارد، چون: علم الحدیث، درایه الحدیث، مصطلح الحدیث، قواعد الحدیث و اصول الحدیث، و سپس اضافه می‌کند که:  
كلها تعنى معنى واحداً.<sup>۳۵</sup>

وی در تعریف این دانش، سخن علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی را می‌پذیرد که:  
هو العلم الباحث فيه عن الاحوال و العوارض اللاحقة لسند الحديث.<sup>۳۶</sup>  
و تفاوتی که میان این دانش با علم رجال می‌گذارد، چنین است:  
علم الرجال يدرس حال الراوى من حيث التوثيق واللاتوثيق ... و علم  
الحديث يدرس حال الرواية من حيث الاعتبار واللاإعتبار.<sup>۳۷</sup>

۳۳. درایه الحدیث، ص ۲.

۳۴. اصول الحدیث و احکامه، ص ۱۱-۱۲.

۳۵. اصول الحدیث، ص ۹.

۳۶. همان، ص ۱۱.

۳۷. همان، ص ۱۳.



در میان اهل سنت نیز نوشته های جدید، بسیارند. در این جا تنها تعریف علوم حدیث را در دو نمونه از این کتاب ها مرور می کنیم.

صبحی صالح در علوم الحدیث و مصطلحه (که به سال ۱۳۷۸ قمری نگارش یافته) می گوید علم الحدیث دارای دو بخش است: علم الحدیث روایتاً که به نقل و ضبط و کتابت احادیث اختصاص دارد و علم الحدیث درایتاً که:

مجموعه من المباحث و المسائل يعرف بها حال الراوی والمروی من حیث

القبول والرد. ۳۸

وی پس از شرح این تعریف می گوید:

ويطلق العلماء على علم الحدیث درایة اسم «علم أصول الحدیث». ۳۹

دکتر محمد عجاج الخطیب (که کتابش را به سال ۱۳۸۷ قمری / ۱۹۶۶ م، تألیف کرده)، مانند پیشینیانش، علم الحدیث را به «روایة» و «درایة» تقسیم نموده و همان تعاریف را برگزیده است. ۴۰ لیکن نکته ای که اضافه کرده، این است که:

وقد أطلق علماء الحدیث على علم الحدیث درایة اسم «علوم الحدیث» و اسم

«مصطلح الحدیث» و اسم «أصول الحدیث»، و کلها أسماء لمسمی واحد، و

هو مجموعة القواعد و المسائل التي يعرف بها حال الراوی و المروی من حیث

القبول والرد. ۴۱

آنچه تا این جا بدان اشاره شد، نشان دهنده پاره ای تحولات در بررسی حد و رسم

علم الحدیث است. آنچه در این مرور مشهود بود، بدین قرار است:

۳۸. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۰۶.

۳۹. همان.

۴۰. اصول الحدیث، ص ۷-۸.

۴۱. اصول الحدیث، ص ۹.



۱. برخی از نویسندگان شیعی و اهل سنت، واژه‌های علم الحدیث، اصول الحدیث، درایة الحدیث، علم الحدیث درایة، قواعد الحدیث و مصطلح الحدیث را به یک معنا گرفته‌اند، مانند عبدالهادی فضل‌ی و محمدعجاج الخطیب. در حالی که گروهی دیگر، این نظر را نقد می‌کنند و آن را نوعی خلط مرزهای علوم می‌دانند، مانند استاد مدیر شانه چی.

۲. تعریف‌های این دوره در میان اهل سنت، تثبیت تعاریف مرحله سوم است و در میان شیعه نیز همان تثبیت است، به اضافه پاره‌ای تشویش‌ها.

### پدیده‌های نو در عرصه حدیث پژوهی

از این امر که بگذریم، در دوره معاصر با پدیده‌هایی دیگر در عرصه‌های حدیث پژوهی مواجه هستیم که در گذشته مطرح نبودند و عالمان امروز، بدانها توجه کرده‌اند:

یک. تلاش روشمند در پژوهش و تدوین تاریخ حدیث. بررسی تحولاتی که بر حدیث گذشته است، اسباب و علل افزایش و کاهش در حدیث، مناهج تحقیق و روش‌های خاص محدثان، و... اموری هستند که توجه تامی در این برهه بدانها شده است. برخی آثار که در این زمینه می‌توان یاد کرد، عبارت‌اند از:

تاریخ الحدیث و مناهج المحدثین، محمد نادی عییدات؛

تاریخ السنة المشرفة، اکرم ضیاء العمری؛

تاریخ حدیث شیعه، مجید معارف؛

تاریخ عمومی حدیث، مجید معارف؛

مُسند نویسی در تاریخ حدیث، سید کاظم طباطبایی؛

سیر حدیث در اسلام، سید احمد میرخانی؛

دو. پژوهش و تحقیق در تاریخ علوم حدیث. در این زمینه می‌توان از تاریخ

فنون الحدیث، نوشته محمد عبدالعزیز الخولی یاد کرد.



سه. تدوین کتاب‌هایی با عنوان مصطلح الحدیث، که حقیقتاً فرهنگ‌نامه‌ی واژه‌های به کار رفته در حوزه‌ی دانش‌های حدیثی‌اند. این قبیل آثار، به صورت الفبایی یا موضوعی، به صورت تجریدی یا تطبیقی، اصطلاحات به کار رفته در رشته‌های حدیث را بررسی کنند.

در این زمینه می‌توان از این آثار یاد کرد:

معجم مصطلحات الحدیث، سلیمان مسلم الحرش؛

نظم الدرر فی مصطلح علم الأثر، احمد فرید؛

تیسیر مصطلح الحدیث، محمود الطحان؛

چهار. گردآوری و تدوین اجازات محدثان. در این زمینه نیز می‌توان به آثار زیر،

اشاره کرد:

الاجازة الكبيرة، السيد عبدالله الموسوی الجزائری؛

اجازات الحدیث التي كتبها شیخ المحدثین المجلسی، السيد احمد الحسینی؛

المسلسلات فی الاجازات؛ السيد محمود المرعشی؛

الوجیز فی ذکر المٌجاز و المٌجیز؛ ابو طاهر احمد بن محمد السلفی؛

الوجازة فی الاجازة، محمد شمس الحق العظیم آبادی.

پنج. بجز اینها، پرسش‌های جدی و جدیدی که رویاروی حدیث و سنت قرار

گرفته‌اند نیز در خور درنگ‌اند؛ پرسش‌هایی که با کلیت حدیث سر و کار دارند و به

طور طبیعی باید در دانش برتری جای گیرند، مانند:

۱- رابطه قرآن و حدیث

۲- ارتباط علوم حدیث با سایر علوم اسلامی

۳- روش و منهج حدیث پژوهشی

۴- حدود و قلمرو دانش‌های حدیثی

۵- تاثیر و تأثر سنت با دیگر فرهنگ‌ها



## ۶- اسباب اختلاف احادیث

و ...

اینک، با توجه به عرصه‌های گشوده شده در برابر حدیث و دانش‌های گذشته و رایج، چگونه باید دانش‌های حدیثی را طراحی کرد که ضمن حفظ ارتباط منطقی میان شاخه‌ها و اجزا، بتوان فراگیری (جامعیت) آنها را نیز حفظ کرد؟ این، پرسشی است که باید بدان پرداخت.

## آینده دانش‌های حدیثی

روشن است که به آسانی و سادگی نمی‌توان در این عرصه گام برداشت؛ لیک از آن رو که هر طرح تازه باید از نقطه‌ای شروع شود تا پژوهشگران به اصلاح و تکمیل بپردازند، پیشنهاد اولیه خود را برای علوم حدیث، بدین شکل عرضه می‌داریم:

یک. تاریخ حدیث

دو. فلسفه علوم حدیث

سه. دانش‌های نظری حدیث

۱- ارزیابی اسناد (سند)

۲- فقه الحدیث (متن)

چهار. دانش‌های تطبیقی حدیث

۱- دانش‌های سندی: رجال، جرح و تعدیل

۲- دانش‌های متنی: غریب الحدیث، مختلف الحدیث، علل الحدیث

پنج. دانش‌های معین

۱- اصطلاحات

۲- اجازات

۳- فراگیری و نشر حدیث (التحمّل والاداء)



اینک توضیحی اجمالی برای هر یک از عناوین می‌آوریم:

### یک. تاریخ حدیث

در این رشته، سیر حدیث از ابتدا تا کنون، چگونگی کتابت و تدوین و تبویب حدیث، گسترش حدیث، مکتب‌های حدیثی، و مسائلی از این دست، بررسی می‌گردد.

همچنین در این رشته، تاریخ علوم و فنون مربوط به حدیث و چگونگی پیدایش و گسترش آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

### دو. فلسفه علوم حدیث

در این رشته، حدیث و دانش‌های مربوطش، از منظر بیرونی مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد. این رشته، در صدد یافتن پاسخ پرسش‌هایی از این دست است:

۱- رابطه قرآن و حدیث

۲- ارتباط حدیث و علوم حدیث با سایر علوم اسلامی

۳- روش و منهج حدیث پژوهی

۴- حدود و قلمرو دانش‌های حدیث

۵- تأثیر و تأثر سنت و دیگر فرهنگ‌ها

### سه. دانش‌های نظری حدیث

در این رشته، دانش‌های پیرامونی حدیث در دو جنبه سند و متن، مورد پژوهش و ارزیابی قرار می‌گیرند.

این رشته، خود دارای دو شاخه کلی است: ارزیابی اسناد و فقه الحدیث. در علم ارزیابی اسناد، چگونگی ارزیابی اسناد روایت و مصادر حدیثی، مورد بررسی قرار



می گیرد. شیوه های جدید ارزیابی سند، ارزیابی سند بر پایه نقد متن و مسائلی از این دست نیز در این شاخه جای دارند.

در فقه الحدیث، قواعد عمومی و اختصاصی فهم و تفسیر روایات، مورد بررسی قرار می گیرد.

#### چهار. دانش های تطبیقی حدیث

آنچه در بخش سوم گذشت، اگر با تطبیق بر روایت ها انجام گیرد، دانش تطبیقی نامیده می شود. این بخش از دانش های حدیثی، چنان که در صفحات پیشین گذشت، با سابقه ترین است.

این رشته نیز در دو حوزه سند و متن، قابل پژوهش است. در بخش سند، علم رجال و جرح و تعدیل قرار می گیرد و در بخش متن، غریب الحدیث، مختلف الحدیث و علل الحدیث جای دارد.

#### پنج. دانش های معین

این دانش ها در جنب رشته های اصلی حدیث قرار می گیرند و می توانند در دستیابی بدانها و یا تکمیل آگاهی ها سودمند باشند، مانند مصطلحات، اجازات و ...

امید که محققان و پژوهشگران، با ارائه نقدهای عالمانه و یا طرح های نو، در تکمیل این طرح مدد رسانند، تا آینده علوم حدیث، بر روی منطقی و درست شکل گیرد.